

## فتوی

### عول و تعصیب . از مباحث ارث و اختلاف علماء اسلام در فتوا و شرح ماده ۹۱۴ از قانون مدنی

دنباله شرحی که نسبت بارت زوج و زوجه مندرجه در شماره ۷۷ بعرض قارئین  
محترم رسید .

اینک یکی از مسائل مشکله ارث که از موارد اختلاف فیما بین علماء شیعه  
و اهل تسنن است همانا مسئله عول و تعصیب است که شرح داده میشود قبلاً مقتضی  
است که این نکته را متذکر گردد که در آیه شریفه باب ارث کلمه فریضه مقرر گردیده .  
فان كان له اخوة فلامه السدس . آباء کم و ابنائکم لاتدرون ایهم اقرب لکم نفعاً  
فریضه من الله . و همچنین در عبارات فقهاء کلمه فرض و رد کثیرا در باب ارث ذکر گردیده  
و نیز در قانون مدنی که مقتبس از فقه اسلامی است در فصل پنجم ارث معنون است -  
( در فرض و صاحبان فرض ) و در ماده ۸۱۴ از قانون مدنی تعریف کرده است صاحبان  
فرض اشخاصی هستند که سهم آنان از ترکه معین است . و صاحبان قرابت کسانی هستند  
که سهم آنان معین نیست ماده مزبور اجمال و ابهامی دارد . وای بسا اشکال شود چگونه  
ممکن است که کسی سهمش از ارث معین نباشد ارث ببرد . پس معنای ماده که متخذ  
از عبارات فقها است آن خواهد بود که اشخاصیکه در قرآن کریم سهم آنان از ارث متوفا  
تعیین گردیده بفرض ارث میبرند . و اشخاصیکه سهمی برای آنها معین نگردیده ، یعنی  
ذکری از آنها در قرآن کریم نشده به قرابت ارث میبرند . اعمام و عمات . احوال و خالات  
و اولاد آنها . اسمی از وراثت آنها در قرآن کریم نیست و طبقه سوم از وراثت هستند .  
و بموجب اختیار و فتاوی فقها وراثت شناخته شده اند . و بعضی از فقها مثل شهید در مالک  
آیه شریفه **واولوالارحام بعضهم اولی ببعض** استناد بر وراثت اعمام و احوال از  
کتاب الله نموده است .

باری وراثت وراثت یا فرضا به تنهایی است یا فرضا و ردا . با ذکر مقدمه  
مزبور . چنانچه در اجتماع ورثه زیاد و نقصانی حاصل شود . زیاد شود از موارد عول  
است . فی القاموس . یقول . الفریضه فی الحساب زادت او نقصت . فرض کنیم زنی متوفی  
وارثش دو نفر دختر است . و پدر و مادر و زوج که شوهرش باشد . بر حسب آیه شریفه .  
وان کن نساء فوق اثنتین فلهن ثلثا ما ترک . و بر حسب آیه دیگر و لا بویه لکل واحد  
منهما السدس . و از طرفی برای زوج مقرر فرمود و لهن الربع مما ترکتم . چون دوثلث  
بنتین ببرند و یک ثلث ابوین دیگر محلی برای زوج باقی نمیماند . علماء شیعی فتوا داده اند

که نقص بردخترها است یعنی فرض کنیم مالیه میت را (۱۲) زوج که در هر حال چهار یک میبرد. ابوبن هم ثلث. و از (۱۲) سهم ۵ سهم میماند که بتین میبرند. پس شرح ماده ۹۱۴ از قانون مدنی که اشعار داشته است. اگر بواسطه بودن چندین نفر صاحبان فرض ترکه میت کفایت نسبت بتمام آنها را نکند نقص بر بتین وارد میشود معلوم گردید. و اما علماء تسنن نقص را وارد بر همه ورثه علی حسب سهام میدانند. و از علی علیه السلام نقل میکنند که در منبر تشریف داشتند. و از ارث دو دختر و ابوبن و زوجه سؤال کردند و حضرت فرمود صارثمنها تسعا. یعنی هشت یک زن نه یک میشود. و لکن چنانچه مذکور گردید علماء شیعه این حدیث را صحیح نمیدانند و نقص را بردخترها قرار داده و عول را باطل میدانند. و اما تعصیب. فرض میکنیم که میت دو خواهر و یک دختر و یک زن دارد. بر حسب مذهب شیعی زن هشت یک خود را میبرد و خواهرها هم چون از طبقه دوم هستند ارثی ندارند. و بقیه ترکه از دختر است. نصف را بر حسب فرض برده است. و ان کانت واحده فلها النصف. و بقیه را دختر بعد از سهم زوجه ردا میبرد. ولی بمذهب علماء سنت نصف دختر میبرد و یک ثمن هم زوجه و بقیه را بخواهرها میدهند که عصبه محسوب است. این است که ماده مزبور برای شق ثانی جمله بعدی را اضافه کرده که اگر پس از موضوع کردن نصیب صاحبان فرض زیادتی باشد. و وارثی نباشد که زیاده را بعنوان قرابت ببرد این زیاده بین صاحبان فرض طبق مقررات تقسیم میشود. از کلمه و وارثی نباشد که زیاده را بعنوان قرابت ببرد همان فرض مسئله که خواهرهائی باشند شامل میگردد و آیا ماده مزبور قائل بتعصیب است یا خیر. البته باید گفت که قائل بتعصیب است و منظورش از کلمه بعنوان قرابت همان وارث اقرب بوده که فرضاء برده است. و بقیه از ارث را ردا میبرد. و در جواهر مرحوم شیخ محمد حسن و سایر کتب فقهی راجع به استدلال بر بطلان عول و تعصیب مفصل است که این مقاله را گنجایش و مناسب نیست.

